



بررسی جایگاه محیط زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار

دکتر تقی ابراهیمی سالاری^۱، نفیسه صالح نیا^{۲*}، فاطمه لشکری پور^۳

^۱ عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیکی: ebrahimi@um.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیکی: nafiseh.salehnia@yahoo.com

^۳ کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه فردوسی مشهد. پست الکترونیکی: fatemeh.lp@gmail.com

چکیده

امروزه بحث حفاظت از محیط زیست، یکی از مباحث مهم جهانی محسوب می شود به گونه ای که در برخی موارد، درست نگه داری نکردن و یا رعایت نکردن استانداردهای حفاظت از محیط زیست در یک کشور می تواند سلامت کل جهان را مورد تهدید قرار دهد جای تردید نیست که توجه و اهتمام به این امر وسیع برای جبران مافات تحت عنوان حفاظت از محیط زیست موضوعی است جدید که پس از مواجهه انسان دوران صنعت با مشکلات ناشی از ابزار تولید، نخست در جهان صنعتی غرب مطرح شد و سپس ممالک جهان سوم به تدریج از آن پیروی کردند. بیش از سی سال است که بحث های مربوط به دین و محیط زیست در محافل علمی و تخصصی مورد توجه قرار گرفته است. موافقت ها و مخالفت هایی که به واسطه انتشار مقاله جنجال برانگیز لین وایت در سال ۱۹۶۷ با عنوان "ریشه تاریخی بحرانهای اکولوژی" سنت مسیحی و یهودی را مسبب بحرانهای زیست محیطی معاصر دانسته هنوز ادامه دارد. اما در دهه اخیر، به دلیل تداوم بحرانهای محیطی (علیرغم پیشرفت علم و تکنولوژی) دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر نموده و به عنوان عاملی مؤثر در رفع بحرانهای زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است.

بسیاری از طرفداران محیط زیست اکنون بر این اعتقادند که سیاست های زیست محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند بلکه اینگونه سیاستها در اجرا، محتاج حمایت های فرهنگی دینی و اخلاقی هستند که زیربنای حفاظت های محیطی هستند.

در این مقاله پس از بیان مبانی نظری در زمینه محیط زیست و توسعه پایدار به بررسی جایگاه محیط زیست در فلسفه، فقه و حقوق و اخلاق اسلامی می پردازیم. در بخش بعدی محیط زیست در نظام سرمایه داری مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت اهمیت توجه به محیط زیست برای دستیابی به توسعه پایدار بیان شده است. با توجه به مطالب ارائه شده در می یابیم اجرای مبانی ارزشی نظام اقتصادی اسلام می تواند با کاهش اثرات خارجی منفی زیست محیطی، زمینه تحقق توسعه پایدار و استیفای حقوق انسانی را ایجاد کرده و از این طریق بستر مناسبی برای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست فراهم کند.

واژه های کلیدی: محیط زیست، اسلام، توسعه پایدار، نظام سرمایه داری

همایش ملی پژوهش های محیط زیست ایران



همدان: دانشکده شهید مفتح (۹ آبان ۱۳۹۲)

۱- مقدمه:

حفظ و بهبود محیط زیست یکی از اساسی ترین اهداف کشورهای جهان امروز را تشکیل می دهد و در واقع مهمترین دغدغه قرن حاضر دولت های بین المللی به شمار می آید و به تبع نیل به آن قوانین حمایتی مختلفی از سوی دول جهانی تدوین گردیده است و بشریت می کوشد تا از تخریب هر چه بیشتر عناصر زیست محیطی بکاهد.

جهان در دهه ۱۹۶۰ شاهد بیداری عمومی عظیمی در خصوص موضوعات زیست محیطی بود. این بیداری به واسطه عواملی چون انتشار کتاب راشل کارسون تحت عنوان « انفجار خاموش » که در رابطه با مصرف گاز د.د.ت بود و معاهده بین المللی تجارت گونه های در معرض خطر در سال ۱۹۶۳، کنوانسیون های زیست محیطی سازمان ملل، قانون منع تکثیر هسته ای در سال ۱۹۶۸ و ... ایجاد شد. در دهه ۱۹۷۰ گروه های دوستدار زمین و صلح سبز شکل گرفتند. بعد از گذشت سه دهه فعالیت این گروه ها و سایر سازمان های غیر دولتی در شمال آمریکا و اروپا، به ویژه در توسعه قانون گذاری و استاندارد سازی برای موضوعات اجتماعی و زیست محیطی شرکتی، برای نخستین بار در میانه دهه ۱۹۷۰ مفهومی جهانی یافت و در حقیقت اولین نشست رسمی جهانی در زمینه حفاظت از محیط زیست سال ۱۹۷۲ در استکهلم شکل گرفت (لواسانی، ۱۳۷۲: ۳۲).

در سال ۱۹۹۲ اجلاس سران زمین، با موضوع توسعه پایدار در ریودوژانیروی برزیل (از سوی سازمان ملل) برگزار شد و در نهایت منجر به صدور اعلامیه ریو (RIO) توسط سران ریو شد. این اعلامیه یک چارچوب معاهداتی درباره تغییرات اقلیم، یک چارچوب معاهداتی درباره تنوع زیستی، تأسیس صندوق اعانات زیست محیطی بانک جهانی، تجهیز امکانات زیست محیطی جهانی و ۲۱ برنامه برای اجرا بود. (ایزو، ۲۰۰۴)

می توان گفت بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران های برآمده از فرهنگ مادی گرا، زمینه ها و پشتوانه های فلسفی و اخلاقی دارد.

به دلیل اینکه مبانی فلسفی موجود در نظام سرمایه داری و روند تحولات صنعتی قرن نوزدهم، بعد از انقلاب صنعتی رشد فزاینده ای پیدا کرد، حجم زیادی از آلودگی ها وارد محیط شد و خسارات زیادی به طبیعت وارد آمد. مفهوم سنتی توسعه که حول محور رشد اقتصادی دور می زد قبل از دهه ۷۰ میلادی تفکر غالب در جهان را شکل می داد، در نتیجه اکثر کشورها بی محابا برای رشد اقتصادی بیشتر از طبیعت بهره گرفتند و به تبع آن خسارات جبران ناپذیری به طبیعت وارد گردید.

در حال حاضر به دلیل تداوم بحران های زیست محیطی، دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر یافته و به عنوان یکی از عوامل مؤثر در کاهش معضلات زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است اکنون بسیاری از طرفداران محیط زیست بر این اعتقادند که «سیاست زیست محیطی» کارآمد، نیازمند جامعیت و حمایت های دینی و اخلاقی است؛ چرا که در تعالیم ادیان اسلام، یهود، مسیح، هندو، زردشت و... احترام به طبیعت و همه ی عالم وجود، به عنوان یک اصل اخلاقی مورد توجه و عنایت است. (کیس، ۱۳۷۹: ۷۰۸)

مطابق تعالیم دینی، انسان خدا باور طبیعت را منزل شخصی خود نمی داند و به خود این حق را نمی دهد که محیط زیست همه نسل ها را جولانگاه هوس های شخصی خود قرار دهد و بخواهد اشتهای سیری ناپذیر خود را از طریق این سفره محدود ارضا کند. بلکه طبیعت در نظرش امانت خداست که به طور موقت بدو سپرده شده است و باید از آن مراقبت کند و سالم به دست دیگر بندگان خدا و نسل های آینده بسپارد.

۲- مبانی نظری



موضوع محیط زیست و اثرات ناشی از تخریب آن دیر زمانی است که فقط مشکل کشور یا منطقه ای خاص در جهان نیست. دلیل توجه به این امر، به طور عمده مربوط به وقایع نامطلوبی است که در عرصه محیط زیست جهانی همچون نازک شدن لایه اوزون، گرم شدن زمین و... رخ داده است.

«محیط زیست» در معنایی که امروزه به کار می رود؛ در بسیاری از زبان ها، اصطلاحی نو و تازه است. کاربرد آن در زبان فرانسه به قرن دوازدهم باز می گردد. (کیس، ۱۳۷۹: ۵) این اصطلاح از آغاز دهه ۱۳۶۰ کاربرد مستمر و مؤثر پیدا کرده و در خلال همین دهه کلمات جدیدی برای بیان این مفهوم در زبان های مختلف مورد استفاده قرار گرفته این امر نشان از سابقه تقریباً ۳۰ ساله توجه بخش عظیمی از جهان، به طور همزمان، نسبت به پدیده ای تازه است که پیش روی جهان مدرن قرار دارد. (کیس، ۱۳۷۹: ۵)

مفهوم لغوی واژه Environment، محیط، احاطه کننده اطراف و دور و بر می باشد. که اصطلاحاً The Environment برای بیان مفهوم محیط زیست به کار گرفته شده است. (آریان پور، ۱۳۶۶: ۳۳۲؛ همبی، ۲۰۰۰: 421)

در واقع اصطلاحات محیط زیست با اصطلاح بیوسفر (زیست کره) کاملاً مرتبط می باشد؛ بیوسفر یا لایه حیاتی که «یونسکو» خصوصاً آنرا به کار می برد با یکی از وسیع ترین تعاریف محیط زیست مطابقت دارد و محیط زیست اصلی انسان را تشکیل می دهد و عبارت است از محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن جریان دارد. (کیس، ۱۳۷۹: ۵)

برای ارائه تعریف انسان محوری از محیط زیست، می توان گفت:

«محیط زیست، به تمامی محیطی اطلاق می شود که نسل انسان به طور مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است و زندگی و فعالیت های او در ارتباط با آن قرار دارد». (میرقوام، ۱۳۷۵: ۳) و به زبان ساده محیط زیست عبارت است از «هوا، آب، خاک، گیاه، جنگل، بیشه، مرتع، دریا، دریاچه، رودخانه، چشمه، آبزیان، حیوانات، کوه، دشت، جلگه، کویر، شهر و یا ده شامل کوچه، خیابان، ساختمان (اعم از تاریخی و عادی و کارخانه) و غیره». (بنان، ۱۳۵۱: ۵)

همچنین در تعریف محیط زیست آمده است که «محیط زیست عبارت است از محیطی که فرایند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست، از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست کره (بیوسفر)، را فرا می گیرد». (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۱)

توسعه پایدار نیز یک مفهوم گسترده پذیرفته شده و راهنمای هدف تصدیق بین المللی مربوط به گزارش ۱۹۸۷ کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست (یک دستور جلسه جهانی برای تغییر) است. این دستور العمل شامل برنامه زندگی در یک سیاره با محدودیت های اکولوژیکی و بدون از بین بردن نیازهای نسل آینده، می باشد. «پایداری» اصطلاحی است که به همه افراد جامعه یعنی شهروندان، مقامات محلی و ملی، قانونگذاران، سرمایه گذاران سازمانی، مشتریان، کارکنان، تأمین کنندگان و غیره مربوط می شود.

ریشه های نگرش توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اجتماعی-اقتصادی در شهرها از منظر بوم شناسی (اکولوژی) بر می گردد. این الگوواره تازه با عنوان توسعه پایدار به مقابله یا الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگار با طبیعتی می پردازد که به اتمام منابع و تخریب محیط زیست می انجامد و تنها فرآیند توسعه ای را تایید می کند که به بهبود کیفیت زندگی انسان ها در حد پذیرش ظرفیت نظام های پشتیبان حیات منجر شود. این الگوواره جدید توسعه پایدار، حول حساسیت های زیست محیطی و به بیان دقیق تر بوم شناختی شکل گرفت و اشاره های اولیه آن برای سیاست های توسعه شهری، حفظ فضای سبز و پاکیزگی آب،



جلوگیری از آلودگی هوا و کاهش تولید زباله در سطح محلی بود. لیکن به تدریج سیاست‌های پایداری به پهنه‌های جغرافیایی گسترده‌تری (در سطوح منطقه‌ای، ملی و جهانی) روی آورد و افزون بر بعد بوم‌شناسانه، به ابعاد اجتماعی-اقتصادی نیز توجه کرد. (زرآبادی و توکلی، ۱۳۸۸).

۳- اسلام و محیط زیست:

تفکر درباره طبیعت، اجزاء و عناصر آن، قوانین و نظام حاکم بر جهان هستی یکی از مقولات بسیار مهمی است که متون اسلامی، به عنوان یکی از ابزار شناخت، مؤکداً انسان را به آن ترغیب و توصیه می‌نمایند. قرآن تمام عالم طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماوراء طبیعت می‌خواند (مطهری، ۱۳۶۷). در تشریح نظریات ابن سینا نیز آمده است که: تحقیق در جهان طبیعت فقط تحقیق در پدیده‌ها و یافتن یک سلسله رابطه بین آنها نیست، بلکه تحقیق در پدیده و ظاهر است در پرتو رابطه‌ای که بین آن و کل موجود است (نصر، ۱۳۵۹).

اگرچه در اسلام، انسان بر بسیاری موجودات کرامت داده شده و عالم نیز مسخر او قرار داده شده است. اما این انسان، انسانی فارغ از مسئولیت نیست. او در عین مقام خلیفه الهی می‌باید تا بار امانت الهی را که پذیرفته است بر دوش کشد.

در حالی که در تفکر انسان محوری معاصر، انسان جایگزین خداوند در زمین قلمداد می‌گردد، واژه خلافت خداوندی که برای انسان مقرر گردیده ایجاب می‌نماید تا خلیفه (جانشین)، اعمال و رفتار خویش را به صفات فعل الهی متصف گرداند که در غیر این صورت شرط امانت و خلافت را به عمل نیاورده است.

انسان مالک مجازی زمین است و چگونگی نحوه تصرف در این ملک مجازی در «اصلاح در زمین و اجتناب از فساد» ذکر شده است. آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح در آن امر می‌فرماید.

در قرآن ضایع نمودن و تخریب محیط زیست اعتدا و تجاوز محسوب شده و هر آنکه با فساد و تباهی و تجاوز از حدود خود، پیمان الهی بشکند از رحمت الهی به دور خواهد ماند. به همین دلیل است اسلام انسان را به شدت به اجتناب از اسراف و تبذیر فرمان داده و به میانه روی و اعتدال دعوت می‌نماید. اسراف و تبذیر تنها به استفاده بیش از حد نیاز و تباه کردن منابع منحصر نمی‌گردد، بلکه عدم استفاده صحیح و بهینه از منابع و مواد اولیه و حتی عدم روند تکاملی در مصرف مواد را شامل می‌گردد. در واقع اخلال و تغییر روند عادی طبیعت حاصل و نتیجه عملکرد انسان و تصرفات افراطی اوست و کاستی‌ها و نابسامانی‌های موجود در عرصه طبیعت نیز ناشی از بهره‌وری نادرست از محیط طبیعی است زیرا به استناد آیات قرآنی، در عالم هستی که بر اساس نظم، هماهنگی و بر پایه عدل استوار می‌باشد، همه چیز به قدر نیاز و به اندازه آفریده شده است.

هدف تعالیم اسلام ارائه سیستمی از ارزش‌هاست که ملحوظ داشتن آن، مسیر تکاملی عالم وجود و انسان را تضمین کند. در این راستا رابطه انسان با خدا، خود، دیگران و محیط تبیین می‌گردد. این سیستم در برگزیده‌ی مباحث مربوط به محیط زیست، از جمله نحوه‌ی استفاده از منابع، نحوه‌ی ارتباط انسان با طبیعت و از همه مهم‌تر، نحوه‌ی نگرش انسان به خویش و به عالم وجود و ارتباط بین آنها بوده و نه تنها برای انسان، بلکه برای تمامی موجودات دیگر از جمله حیوانات، گیاهان و حتی جمادات حقی قائل است. آئین اسلام، حتی به حفظ محیط زیست در شرایط جنگی نیز توجه داشته و تخریب و انهدام محیط زیست، کشتار حیوانات اهلی، استعمال مواد سمی و شیمیایی و مانند آن در زمان جنگ منع کرده است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۵: ۱۴۸)

۱-۳- فلسفه محیط زیست

چگونگی نگرش به فلسفه محیط زیست و حقوق آن نوع عملکرد انسان را تعیین می‌کند. دو دیدگاه تقریباً متضاد در ارتباط با فلسفه محیط زیست مطرح می‌شود که از آن به دیدگاه مادی و الهی یا دیدگاه لائیک و دینی تعبیر می‌شود. در دیدگاه مادی به



عنوان ارزش ابزاری به طبیعت نگاه می کنند: چیزی زمانی ارزش ابزاری دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می گیرد. (بیری، ۱۳۸۵: ۳۰۳) در گسترش این مفهوم، جریان های تاریخی و فلسفی غرب تاثیر عمیقی نهاده اند که در رأس آنها می توان به جریان های اومانستی، اگریستانسیالیستی و اندیشه های سودانگاران قرون گذشته و نفوذ آنها به مسائل محیط زیست اشاره نمود. (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

انگیزه ی این گروه بیشتر سودجویی است و اینکه بتوانند در دراز مدت به چپاول ثروت های خدادادی جهان ادامه دهند و چرخ های کارخانه های آنان از حرکت و شتاب، باز نایستند. بنابراین در این رویکرد هدف از محیط زیست نه برای محیط زیست بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مسئله محیط زیست قوی است، به گونه ای که حمایت، پاکسازی و بهبود محیط زیست انسانی از اولویت اساسی نیز برخوردار است. بنابراین این شخص انسانی است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می گیرند، «این رویکرد را «انسان محوری ابزاری» نامیده اند». (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۰۱)

در مقابل قرآن کریم انسانها را از استثمار طبیعت و اتلاف منابع برحذر داشته و به تبع آن نیز فیلسوفان متأله اسلامی همچون حکیم صدر المتألهین شیرازی، طبیعت را تجلی و محضر خدا می داند و به عبارتی طبیعت در نظام فلسفی وی پرتوی از ذات خدا می باشد بنابراین طبق این سنت فلسفی انسانها از فساد در زمین نهی شده و آنرا به منزله ی خیانت در امانت الهی قلمداد می کنند.

الهیون در کنار برخی از طرفداران واقعی محیط زیست، که لائیک نیز می باشند، جهان و محیط زیست را به عنوان یک دستگاه مادی و بی شعور و بی هدف و پوچ نمی داند، بلکه آنرا مجموعه ای زنده و خودآگاه و دارای اراده می بیند و طبق این دیدگاه موضوعاتی مثل کمال و میانه روی و خودداری از اسراف قابل طرح است. هدف از زندگی تعدیل همه ی ابعاد انسانی و رعایت عدالت در همه ی زمینه هاست، پس استفاده صحیح از دامنه طبیعت را به عنوان وسیله ای در راه رسیدن به آن هدف تلقی می کند. چنانکه دانشمندان «رویکرد به تعالیم دینی را تنها راهکار نهایی برای حفظ محیط زیست جهان می دانند». (مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۸: ۷۴) پس ایشان ارزش ذاتی برای محیط زیست قائل می باشند البته ارزش ذاتی به این معنا که: «وقتی شی ای ارزش ذاتی دارد که آن شی در برابر چیزی که ارزش آن وابسته به هدف یا موجود دیگری است قرار می گیرد». (بیری، ۱۳۸۵: ۳۰۳)

فیلسوفان نامدار مسلمان از جمله ابن سینا و خواجه نصیرالدین طوسی با الهام از معارف اسلامی نظیر حکمای مشرق زمین «نگرش وحدتی همراه کثرت تشکیکی» (محقق داماد، ۱۳۸۴، ۱۵) را پذیرفتند و برای مجموعه عالم با تمام اجزاء وجودی واحد، نشأت گرفته از مبدأ حق و ذات کبریایی قائل شدند. محقق داماد همچنین معتقد است واژه «المحیط» را در قرآن یکی از تعبیرهای نزدیک به محیط زیست و تعامل انسان با آن می داند. از نظر وی محیط زیست انسان، ذات خداوند است و انسان همواره در محیط الهی غوطه ور است اما ممکن است از این موضوع آگاه نباشد. از نظر ایشان بحران های زیست محیطی به این علت به وجود آمده اند که انسان از قبول خداوند به عنوان محیط زیست حقیقی تمرد می کند و محیط زیست خود را جدا و مستقل از محیط زیست الهی می داند. (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۲)

بنابراین می توانیم بیان نماییم که در فلسفه اسلامی، انسان در قبال طبیعت و محیط پیرامونی خود مسئول است. بر اساس نظر دین اسلام میان روابط میان انسان و محیط زیست نمی توان صرفاً به منافع یکی به جای دیگری اندیشید. به گونه ای دیگر، انسان جزئی از طبیعت و طبیعت نیز جزئی از انسان است: «خدا شما را از زمین خلق کرد و شما را مأمور آبادانی آن نمود». (هود، ۶۱)



۲-۳- اخلاق محیط زیست

قضاوت‌های ارزشی که زیر بنای فعالیتهای اقتصادی انسان را تشکیل می دهد، اثر مستقیمی بر چگونگی تعامل او با محیط زیست دارد؛ به طوری که مکاتب اخلاقی متفاوت، نتایج متفاوتی را در زمینه مسائل زیست محیطی به بار می آورند. هم اکنون، طبیعت به وسیله عملکرد انسان تهدید می شود، انسانی که در حال جدا شدن از طبیعت است. مشکلاتی که به وسیله انسان در طبیعت ایجاد می شوند، نمی توانند فقط به وسیله تکنولوژی حل شوند. تغییر رفتار انسانها ضروری است و این تغییر، باید بر پایه اخلاق زیست محیطی باشد. در حقیقت، رابطه بین انسان و طبیعت باید دوباره مورد بازبینی قرار گیرد. اخلاق زیست محیطی، شاخه ای از اخلاق کاربردی است که بیان کننده مسئولیت اخلاقی و محرک اخلاق مدار و معنوی برای حفاظت و حمایت از محیط زیست است. اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان ها و طبیعت را نیز شامل شود. ویژگی دیگر اخلاق زیست محیطی، پویابودن اخلاق است که سعی در سازگار کردن خویش با شرایط زمان و مکان دارد. زیرا نیازها و اولویت هایی که از ارزشهای جامعه سرچشمه می گیرند، در طی زمان تغییر می کنند و این ها خود باعث ایجاد احساس جدیدی در انسان نسبت به طبیعت می شوند. از اینرو اخلاق می باید نوع رفتار انسان با طبیعت را در هر زمان، مشخص نماید. (عابدی سروستانی، ۱۳۸۷: ۳۳)

یکی از توصیه های دینی که می تواند از بحران های زیست محیطی جلوگیری کند اخلاق زیست محیطی مبتنی بر خداشناسی و توحید محوری و خودشناسی و صیانت نفس است که آنرا خودبوم شناسی اخلاق زیست محیطی نیز نامیده اند، تلاش های زیست محیطی می باید زیست بوم گرا باشند و بر دین، باورها، ارزشها و اعتقادات منطقه استوار باشند. هفت توصیه برای تحقق این نوع اخلاق زیست محیطی به این شرح برمی شمردند: ۱. رد سلطه انسان بر طبیعت ۲. همزیستی با محیط زیست ۳. جلوگیری از استثمار طبیعت و اتلاف منابع ۴. مسئولیت پذیری نسبت به رفتار با طبیعت ۵. حفاظت و بهبود وضعیت محیط زیست ۶. تقدس محیط زیست به دلیل یگانگی آن با خداوند ۷. منع خودفراموشی زیرا باعث بحران های زیست محیطی می شود. (عابدی سروستانی، ۱۳۸۷: ۶۸)

دین اسلام در آیات متعددی دستور منع فساد را روی زمین می دهد: «در زمین پس از اصلاح، فساد و تباهی ننمایید» (اعراف، ۵۶). امام صادق(ع) نیز در روایتی بریدن درختان را به شدت نهی فرموده و موجب عقاب دانسته اند، اما در مقابل چنین روایتی نیز دارند: «هر کس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که تشنه ای را سیراب کرده باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵، ۱۱۳). حتی کشتن حیوانات وحشی نیز در مکتب امام صادق منع شده است: «هیچ پرنده ای در دریا و خشکی صید نمی شود و هیچ حیوان وحشی کشته نمی شود مگر آنکه تسبیح گویی از بین رفته باشد» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ۲۴). در قرآن مجید سرنوشت انسان و طبیعت کاملاً بهم آمیخته شده و خداوند فساد و صلاح هر یک را با فساد و صلاح دیگری مرتبط دانسته است: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسب ایدی الناس» (روم، ۴۱) فساد در دریا و خشکی در اثر عملکرد انسانها ظاهر می گردد. در سوره قصص نیز خدای تبارک و تعالی چنین می فرماید: «هرگز در زمین به دنبال فساد نباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد». (قصص، ۷۷)

بنابراین دین مقدس اسلام برای همه ی موجودات زنده حقوقی را در نظر گرفته است که پایمال کردن آنها موجب عقاب می شود. گوستاولوبون در این زمینه می نویسد: «در بلاد اسلامی جمعیت حمایت از حیوانات لازم نیست... مخصوصاً در مساجد و معابر، پرندگان



با کمال آزادی پرواز می کنند و در مناره ها لانه دارند. مسلمانان در این باره به گونه ای هستند که ما اروپاییان باید خیلی چیزها از آنها یاد بگیریم». (لوبون، ۱۳۱۳: ۴۴۶)

اخلاق زیست محیطی اسلام بر این مفهوم استوار است که همه روابط انسانی مبتنی بر عدل و احسان است. بنابراین پیامبر اسلام می فرماید که در حد امکان با سایر جانوران و موجودات جهان با عطف و عدالت رفتار شود. محیط زیست فقط در خدمت نسل حاضر نیست، بلکه هدیه خداوند به همه نسل هاست و این مفهوم کلی را میتوان از آیات قرآن استنباط کرد.

اسلام استفاده از محیط زیست طبیعی را مجاز می داند ولی این استفاده نباید موجب تخریب غیر ضروری طبیعت شود. خداوند اسراف را نمی پذیرد. انسانها مالک زمین نیستند بلکه حافظان آن تعادل و میزان مقرری اند که خداوند برای آنها و برای حیواناتی که با آنها زندگی می کنند فراهم کرده است. با توجه به اصول اخلاقی دین اسلام می توان دریافت که نقش انسان در برابر طبیعت فقط این نیست که از محیط خود لذت ببرد و از آن استفاده کند و بهره بردارد. از انسانها انتظار می رود که سایر مخلوقات را حفظ و حمایت و به آنها کمک کنند. پیامبر اسلام خود را در برابر درختها و حیوانات و همه عوامل طبیعی مسئول می دانست.

۳-۳- مبانی فقهی، حقوق و احکام محیط زیست

اولین نکته در این خصوص توجه به مفهوم محیط زیست در حقوق محیط زیست است که دایره ای به گستردگی تمامی محیط پیرامونی انسان را در بر می گیرد. به علاوه تمامی ابعاد متعدد آن (انسانی، جانوری، گیاهی، اشیاء و ابنیه، سلامت منظر، ساخت شهری و ...) نیز می بایست مورد حفاظت قرار بگیرند.

حقوق محیط زیست در - معنای مصطلح امروزی آن - محصول بحران های زیست محیطی بعد از جنگ جهانی دوم و همچنین جریانات منتقد مدرنیته می باشد. واکنش حقوقی که در ادامه سیر واکنش های علمی، اجتماعی و سیاسی سعی در حل و فصل تعارضات جدی حیات مدرن با محیط زیست دارد، از ابتدا ملتزم و مستخرج از ادبیات دینی ادیان بزرگ جهانی نبوده است و شاید به همین سبب بکاربردن تعبیری همچون حقوق محیط زیست اسلامی عجیب بنماید. اما عدم وجود حقوق محیط زیست در عرض سایر شاخه های حقوق اسلامی از قبیل جزایی، خصوصی، تجارت و ... را باید به تفاوت های اساسی و عمیقی که میان مبانی فلسفی اسلام و جهان اسلامی با مدرنیته وجود دارد برگرداند. به بیان دیگر حقوق واکنش انسان مدرن به بلیه ای مدرن است که در جهلن ماقبل مدرن نمی توان نشانه ای از وجود آن پیدا نمود. اسلام با مقید نمودن انسان از ابتدا سعی در سامان دادن به رابطه ای متعادل و متکامل میان انسان و محیط پیرامونش داشته است.

فقه اسلامی به عنوان مجموعه ای از احکام و قواعد دینی برای حیات اجتماعی و فردی مردمان اولاً نمی تواند منصرف از مسائل جدید زندگی ما باشد و ثانیاً حفاظت از طبیعت و محیط زیست انسان هرچند به عنوان شاخه ای مستقل از فقه، مورد توجه علمای اسلام نبوده است اما در بین قواعد، اصول و احکام فقهی می توان مواردی را یافت که تصریحا و یا تلویحا به مسائل مربوط به محیط زیست می پردازد. قواعد فقهی سازنده و موجد احکام هستند و قواعد زیست محیطی فقهی نیز احکامی متضمن مقررات حفاظت از محیط زیست را می سازند و از تخریب و تجاوز به محیط زیست با وضع قواعدی جلوگیری می نمایند.

فهرستی از قواعد زیست محیطی فقهی به شرح زیر است:

۱-۳-۳ - قاعده لاضرر



قاعده لاضرر که در فقه به قاعده لاضرر و لاضرر فی السلام معروف است مستند به آیه ۲۳۳ سوره مبارکه بقره، روایات متعدد، عقل و اجماع می باشد (حر عاملی، ۱۳۸۹ه، ج ۲۵، ص ۴۲۹؛ الحسینی الروحانی، ۱۴۱۳ه، ج ۵، ص ۳۸۳) از میان روایات فوق روایات سمره بن جندب (صدوق قمی، ۱۴۰۹ه، ج ۴، ص ۹۶) از شهرت بیشتری برخوردار است. روایات سمره در حد تواتر بوده و حیث سند نیز موثوق است. هرچند عبارات متفاوتی در اسناد گوناگون این روایات وارد شده است اما تفاوت های موجود در معنای مورد نظر ما که حیثیت آن در حوزه حفاظت از محیط زیست است تغییری ایجاد نمی کند. بنابراین به این مساله نمی پردازیم. اما در باب مفاد روایت فوق نظرات گوناگونی در میان فقهای شیعه ابراز شده است که نظر شیخ شریعه اصفهانی (بجنوردی، ۱۴۰۱ه، ج ۱، ص ۲۵۷؛ العراقي، ۱۴۱۸ه، ص ۱۳۷) و حضرت امام خمینی (ره) (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۷؛ رشیدپور، ۱۳۸۹، ص ۹۲-۱۳۰؛ الفرغی، ۱۴۳۰ه، ص ۵۸۷) و شهید صدر (صدر، ۱۴۲۰ه، ص ۱۹۹) متضمن معنای مورد نظر ما می باشد و دیگر موارد هرچند بی ارتباط نبوده اما صراحت در این معنا ندارد. (رشیدپور، ۱۳۸۹، ص ۷۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۷ به بعد، العراقي، ۱۴۱۸ه، ص ۱۳۵) نظر فقهای اخیر الذکر بر این است که معنای نفی در روایات لاضرر ناظر به فعل و عمل فرد و همچنین حکومت می باشد. به بیان دیگر در جامعه دینی کسی حق ایراد ضرر به فرد دیگر را ندارد و حکومت اسلامی نیز نه نمی تواند حکم ضرر زننده وضع نماید و نه خود فعل دارای اثرات زیان بار انجام دهد. (بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۰) در باب معنای ضرر نیز همان معنای عرفی مراد است (انصاری، ۱۳۷۵ه، ص ۳۷۲) و شامل هرگونه زیان و آسیب می باشد.

قاعده لاضرر و لاضرر از قواعد حاکمه فقهی می باشند به این معنا که بر هرگونه مقرره شرعی حکومت کرده و تعدی از حدود را اجازه نمی دهند (الفرغی، ۱۴۳۰ه، ص ۳۴۹؛ خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۳۹؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ه، ص ۲۶۴؛ صدر، ۱۴۲۰ه، ص ۳۴۹؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳) در بیان علامه شهید مرتضی مطهری آمده است: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین، خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و زنده و جاوید نگه می دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آنها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است در حقیقت اسلام برای این قاعده ها نسبت به سایر قوانین و مقررات حق و تو قائل شده است». (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۹: ۱۲۲)

نکته کلیدی در بررسی قاعده لاضرر حکومت آن بر تمامی احکام و افعال است به همین دلیل حتی در استفاده ی شخصی فرد و در محدوده ی مالکیت خصوصی خود نیز، فرد مطلق العنان نبوده و ملزم به رعایت حقوق محیط زیست خود می باشد.

در حوزه حقوق محیط زیست نیز اعمال قاعده لاضرر به ممنوعیت هرگونه فعل و ترک فعل و همچنین قانونی می انجامد که دارای اثرات مخرب محیط زیستی باشد.

۲-۳-۳- قاعده اتلاف

قاعده ی اتلاف که رابطه ی تنگاتنگی با قاعده لاضرر نیز دارد از جمله قواعد اصطیادی است به این معنا که مستند به روایت خاصی نبوده و از مضمون مجموعه ای از آیات (سوره بقره آیه ۱۹۴، سوره نحل آیه ۱۲۶) و روایات از جمله حدیث مشهور: «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن»، برداشت می گردد. البته در باب مبنای آن اختلافاتی نیز در میان فقهای شیعه موجود می باشد که از بحث حاضر خارج است. (الحسینی المرآغی: ۴۳۴ و النجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۳۷، ص ۴۶ و ج ۳۱، ص ۹۱ و ج ۳۶، ص ۱۵۷ و خوئی، ۱۴۱۷ه، ج ۱، ص ۵۲۵ و طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۴)

قاعده اتلاف همچنین با قاعده تسبیب رابطه ی نزدیکی دارد و به بیانی هر دو یک قاعده ولی با دو نوع ظهور هستند. مال در صورتی که به مباشرت فرد تلف گردد اتلاف و اگر با سبب شدن وی از بین برود، تسبیب است. اتلاف به معنای از بین بردن و نابود کردن



مال می باشد که در ابواب مختلف فقهی موضوعیت داشته و به همین دلیل از قواعد پر کاربرد فقهی می باشد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۵۵، محقق داماد، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۱۰) حکم اولی در اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی، حرمت و از جهت وضعی ضمان است. (الفرحی، ۱۴۳۰، ص ۱۴؛ صطفوی، ۱۴۲۱، ص ۲۰) اتلاف هم همانطور که در رابطه با قاعده لاضرر توضیح داده شد در روابط بین افراد و مابین افراد و محیط پیرامونشان حاکم است. به همین جهت هر فعل و ترک فعلی که منجر به تخریب محیط زیست گردد موجبات ضمان فاعل آن را فراهم خواهد کرد.

به طور خلاصه می توان حیث محیط زیستی قاعده اتلاف را اینگونه بیان نمود: اگر کسی با ایجاد آلودگی های محیط زیستی به گونه ای به طبیعت آسیب رساند که باعث تخریب و اتلاف سرمایه های طبیعی همگانی شود مکلف به جبران خسارت است. در قران کریم همچنین آیاتی موجود می باشد که مشخصا به فساد و اتلاف و تخریب زمین و طبیعت اشاره دارد که می تواند مستند احکام محیط زیستی قرار بگیرد. از جمله:

- آیه ۸۵ سوره اعراف: در زمین پس از نظم و اصلاح آن به فساد برنخیزید.

- فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام دادند آشکار شد.

ذیل آیات فوق علامه طباطبائی (ره) اشاره می کنند به این نکته که ظاهر این دو آیه عام بوده و تمام انواع فساد را که نظام بشری باعث تهدید کره ی زمین گردد را شامل می شوند. (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۶)

یکی از اصول حقوق بین الملل محیط زیست که در حقوق اروپائی تاسیس شده است، (اصل آلوده ساز پرداخت کننده PPP است) که هم با قاعده ضمان و هم با قاعده اتلاف مرتبط می باشد و در حقیقت از حقوق داخلی وام گرفته شده است. بر اساس مفاد قاعده فوق هر زمان شخصی (حقیقی یا حقوقی) مسبب ایجاد آلودگی گردد می بایست هزینه های اعاده ی وضع سابق و یا خسارت وارد آمده به افراد و جامعه را جبران نماید. البته در خصوص این قاعده حقوقی اختلاف نظرهای فراوانی موجود می باشد که ناشی از عدم امکان تعیین آلوده کننده ی مشخص در مورد آلودگی های محیط زیستی، عدم امکان برقراری رابطه سببیت میان آلوده کننده و خسارت وارد آمده و همچنین ملاحظات اقتصادی در این مورد است.

۳-۳-۳- قاعده ضمان ید (علی الید)

مفاد قاعده فوق مشمول مسئولیت فردی است که موجبات تضرر به غیر را فراهم آورده است (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). مستندات قاعده فوق سیره عقلا، تسالم فقها، ادله احترام مال مسلمانان و برخی روایات می باشد. (بجنورددی، ۱۴۰۱، ص ۵۲۰؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۱۷۴؛ الفرحی، ۱۴۳۰، ص ۴۴۴؛ بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰؛ محقق داماد، ۱۴۲۹، ص ۷۵) که البته در مدارک و مستندات آنها تردیداتی (مانند تردید آیت الله خوئی و آیت الله مصطفوی در سند روایت به دلیل آنکه راوی این حدیث سمره است) (مصطفوی، ۱۴۲۱، ص ۱۷۵؛ الفرحی، ۱۴۳۰، ص ۴۴۴) وجود دارد که باعث عدم استناد برخی فقها به آنها شده است. قاعده ضمان همانطور که بیان شد در حقوق بین الملل محیط زیست با اصل آلوده ساز پرداخت کننده قابل قیاس می باشد. جایگاه این اصل که از اصول کلیدی حقوق محیط زیست می باشد به شکل مختصر در بخش گذشته بیان شد.

اما از کاربردهای مشخص فقهی این قاعده در حفاظت از محیط زیست می توان برای نمونه به فتوای امام خمینی (ره) در رابطه با مصرف بی رویه آب و برق بر خلاف مقررات دولت اسلامی که از نظر ایشان موجب ضمان می باشد را ذکر کرد:

"زیاده روی به نحو غیر متعارف حرام است و چنانچه موجب اتلاف و ضرر باشد موجب ضمان است" (خمینی، ۱۳۷۰: ۵۴۹) این فتوی می تواند مستند بسیاری از قوانین محیط زیستی ما قرار بگیرد. هرچند که فتوی فوق و اساسا قاعده ضمان و مسئولیت مدنی



در فقه شیعه بر اساس مشهور فقها (حای، ۱۴۱۰ ه: ۴۹۴؛ جبعی عاملی، بی تا: ۱۶۶؛ النجفی، ۱۹۸۱ م، ج ۳۷، ۵۹ و ج ۴۳، ص ۱۲۱؛ مدرس، ۱۴۱۸ ه: ۲۸؛ الحسینی المراغی: ۳۵۵؛ اردبیلی، ۱۴۱۰ ه: ۵۰۲) مبتنی بر نظریه تقصیر می باشد؛ البته استاد صفایی مسئولیت مدنی در فقه شیعه را مبتنی بر نظریه خطر می دانند (صفایی، ۱۳۷۵: ۲۴۸)؛ و در نتیجه امکان مطالبه خسارت بسیار دشوار می گردد، ولیکن شناسایی خسارت های محیط زیستی به طور صریح در فتوی پیش گفته و همینطور در بسیاری دیگر از احکام و توصیه های دینی راه را برای قاعده پردازی فقهی - محیط زیستی هموارتر می سازد.

۴-۳-۳- قاعده مصلحت

مصلحت که در لغت به معنای صلاح و خیر و صواب استفاده شده است (ابن منظور، ۱۴۰۵ ه: ۵۱۶)، در اصطلاح عبارت است از جلب منفعت و دفع مضرت. این مفهوم بدون شک کلیدی ترین مفهوم در فقه شیعه می باشد. مفهومی که از یک طرف بیانگر صفت خلق خالق بوده و همه چیز را در حد اعلای حسن و نیکی می داند و از همین رو وظیفه خود را نیز در مقام حاکم و قانونگذار حفظ نظامات الهی می داند و از طرف دیگر هدف و مقصود فقیه است، در صدور فتوی از آن جهت که بر خلاف مصالح نباشد. احکام فقهی دائر مدار مصالح و مفاسد هستند و به تعبیر واضح تر هر حکم شرعی متضمن رسیدن به مصلحتی یا فرار از مفسده ای است. مصالح پنج گانه ای که فقها مقصود شرع را نیل به آنها دانسته اند به شرح ذیل می باشد:

حفظ دین

حفظ نفوس

حفظ عقول

حفظ نسل

حفظ اموال (حکیم، ۱۹۷۹ م: ۳۸۱)

این قسم از مصالح که دین و دنیای مردم به آن بستگی دارد «مصالح ضروری» نامیده می شوند. مصالح دو قسم دیگر نیز دارند که عبارتند از حاجیه و تحسینی (خوئینی، ۱۳۹۰: ۱۰). اولی به معنای رفع حرج و دفع مشقت و دومی پیروی از محاسن عادات و شیوه های مروت و جوانمردی می باشد. مقاصد محیط زیستی در هر سه گروه از اقسام مصلحت جای می گیرد و از آن جهت حداکثر حفاظت فقهی از آن، از باب مصلحت فراهم می آید. خصوصاً آنکه مصالح ضروری به هیچ وجه تعطیل بردار نبوده و بر تمامی احکام، برنامه ها، اصول و قواعد حاکم هستند.

از همین رو آنچه مصلحت مسلمین را تهدید نماید (برای مثال آلوده سازی آبها) می بایست ممنوع شده و آنچه متضمن مصالح عامه است (مانند بهبود وضعیت کشاورزی برای حفاظت از خاک) می بایست انجام پذیرد. البته ذکر دو نکته ضروری است اول اینکه مصلحت عمومی بر مصلحت فردی مقدم بوده به همین دلیل حتی احکام مالکیت نیز نمی تواند از حدود مصلحت عمومی تعدی نماید و ثانیاً مصالح دارای اولویت می باشند و مرجع تشخیص این اولویت ها حاکم اسلامی در مقام تعارض آنها است. بحران های محیط زیستی و رسیدن آنها به نقطه خطرناک مسلماً باعث می شود که اینگونه از مقاصد از درجه اهمیت بسیاری در مقام قانون گذاری و برنامه ریزی برخوردار شوند (پناهی بروجردی ۱۳۸۹: ۱۵۰).

به طور کلی، بررسی احکام فقهی اسلام در زمینه محیط زیست نشان می دهد انسان دارای اختیار کامل نبوده و در برابر عمل خود مسئول می باشد؛ مسئولیتی که هم حقوقی (شرعی)، هم اخلاقی و اخروی است و از سوی دیگر رفتار انسان بدلیل هوشمندی طبیعت پیرامون وی با عکس العمل پیچیده طبیعی همراه خواهد بود. (سوره هود آیه ۵۲)



فهرستی از احکام زیست محیطی فقهی عبارتند از:

منع اسراف (سوره غافر آیه ۴۳ و ۲۸، سوره اسراء آیه ۲۷، سوره اعراف آیه ۳۱، سوره فرقان آیه ۶۷)

منع قطع درختان ثمردار

منع شکار برای سرگرمی (حرعاملی، ۱۳۸۹ه، ج ۵، ص ۵۱۱)

منع قطع درختان و تخریب مزارع و ... در زمان جنگ

منع تخریب کشتزارها (سوره بقره آیه ۲۰۵)

منع آلوده کردن نهرها در زمان جنگ (کلینی الرازی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۶۵)

منع آلوده کردن آب (کلینی الرازی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۲۸)

منع انسان از آلوده کردن محیط پیرامون خود (صحفی، ۱۳۷۵: ۷۵؛ حر عاملی، ۱۳۸۹ ه: ۱۹۸)

منع تخریب لانه و محل سکونت جانوران (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۲۳۶)

منع احتکار

حرمت تخریب محیط زیست (سوره اعراف آیه ۸۵، سوره روم آیه ۴۱)

تشویق به قناعت و پرهیز از مصرف بی رویه

توصیه به درختکاری (دلشاد، ۱۳۸۵: ۴۹۳ و ۵۳۵)

توصیه به آبیاری درختان (حرعاملی، ۱۳۸۹: ۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۶ و ۱۱۳)

توصیه به احیاء موات. در باب احیاء موات باید توجه داشت که استفاده از مباحات عامه در چارچوب احیاء موات تنها در محدوده

نیاز فرد مجاز می باشد. در همین زمینه صاحب کتاب شرایع الاسلام می نویسد: «هرکس زودتر از دیگران اقدام به استفاده از این

منابع نماید می تواند به اندازه نیازش از آنها استفاده کند.» (حلی، ۱۴۱۸ ه: ۲۲۲)

۶- نظام سرمایه داری و محیط زیست

می توان نظریات غیر مذهبی جهانی را که اقتصاددانان نطرات خود را در آنها بسط داده اند به قرار زیر خلاصه کرد:

انسان موجود (نه مخلوق) و محصولی از طبیعت است. وجودش به هیچ غایتی نیاز ندارد. او فقط در این دنیاست و چیزی جز این

نیست.

انسانیت خود وجود غایی است و اهداف مهم و نهایی حیات را، اگر وجود داشته باشند باید در خود حیات یافت نه در ورای آن.

کمال نوع انسان بدون کمک نیروی فوق بشری قابل حصول است.

شاید بتوان عقیده سنتی طرفدار آزادی انسان را در چهار اصل خلاصه کرد مکتب لذت گرایی، عقل گرایی، فردگرایی و آزادی.

لیبرالیسم اقتصادی، مهم ترین اصل فکری و فلسفی نظام اقتصادی سرمایه داری است که از دو اصل اصالت فرد و آزادی فردی

تشکیل می شود (نمازی، ۱۳۷۴: ۸۸). بر مبنای بینش اصالت فرد، هسته و محور اصلی اجتماع، فرد است و اوست که از وجود

حقیقی برخوردار است و از اینرو وجود اعتباری دارد و اجتماع فاقد وجود حقیقی است؛ زیرا چیزی جز مجموع تک افراد نیست

و از این رو وجود اعتباری دارد. پس فرد و منافعش بر جامعه و مصالحش اولویت دارد. علاوه بر این، چون وجود فرد به لحاظ

تاریخی هم مقدم بر اجتماع است؛ بنابراین حقوق و خواسته های او، به لحاظ اخلاقی، مقدم بر خواسته های جامعه است و بدین

ترتیب مبانی فردی و سودجویی شخصی، جایگزین ارزشهای اخلاقی می شود (نمازی، ۱۳۷۴: ۹۰).

همایش ملی پژوهش های محیط زیست ایران



همدان: دانشکده شهید مفتح (۹ آبان ۱۳۹۲)

همسو با قضاوت‌های ارزشی نظام سرمایه داری، معیار سنجش پارتو برای سنجش کارایی تخصیص منابع پایه گذاری شد که براساس آن یک تخصیص منابع زمانی کارآ یا کارآمد است که نتوان وضع دست کم یک نفر را بهتر کرد بدون آنکه وضع دیگران بدتر شود (پرمن و... ۱۳۸۲: ۱۵۲).

از اینرو یکی از مهم ترین عوامل بروز اثرات خارجی زیست محیطی و کاهش رفاه جامعه را می توان در ریشه های فلسفی و اخلاقی اقتصاد سرمایه داری جستجو کرد. زیرا بر اساس مکتب اصالت فایده، تنها هدف و انگیزه زندگی کوشش برای رسیدن به حداکثر بهره مندی و مطلوبیت است و بنابراین نمی توان فردی را که تنها به منافع خود می اندیشد و در برابر دیگران هیچ مسئولیتی احساس نمی کند را از بهره برداری حریصانه و آزمندانه منابع طبیعی و محیط زیست منصرف کرد و چنانچه نهادهای قانونی برای مقابله با چنین وضعی شکل گرفته باشد، او تا جایی که نتواند از چشم قانون پنهان شود، مقررات را رعایت می کند زیرا در غیر اینصورت منافعتش به خطر می افتد. با چنین جهان بینی، راه هرگونه ایثار و انصاف و رعایت حقوق دیگران و ارزشمند دانستن محیط زیست و... بسته می شود زیرا در این مکتب، ارزشهای ایده آل اخلاقی تنها وقتی به رسمیت شناخته می شود که برای منافع فرد سودمند باشد (نمازی، ۱۳۷۴: ۲۵).

علاوه بر این، سالهاست که دانشمندان محیط زیست و بوم شناسان افزایش فعالیتهای اقتصادی را عامل مهم تخلیه و نابودی منابع طبیعی معرفی کرده اند و نشان داده اند که با افزایش فعالیتهای اقتصادی، پایداری و انعطاف پذیری اکوسیستمها در معرض خطر جدی قرار گرفته است. بنابراین فعالیتهای اقتصادی و به تبع آن، رشد و توسعه اقتصادی به وسیله ظرفیتهای زیست محیطی محدود می شود. نظام سرمایه داری با بی توجهی به ظرفیتهای محدودیتهای طبیعی و تأکید بر مطلوبیت گرایی، از عوامل اصلی تخریب محیط زیست در سالهای اخیر بوده است.

۷- بحران محیط زیست

می توان گفت بحران زیست محیطی نیز همانند دیگر بحران های برآمده از فرهنگ مادی گرا، زمینه های فلسفی و اخلاقی دارد. اگر انسان، ماده را اساس جهت گیری های اصیل آمال خود بداند و ارزش های مادی را مقدم بر ارزش های معنوی تلقی کند (ماتریالیسم)، علم را به کشف قوانین طبیعت منحصر کند (سیانتیسم) و هدف انسان از علم را نیز کسب قدرت و سلطه بر طبیعت و تسخیر آن معرفی نماید (تفسیر بیکنی از علم)، عقل انسان را از آسمان به زمین کشیده و آن را در عالم ماده محبوس کند (راسیونالیسم)، انسان را برای رسیدن به هدف خود یعنی لذت از طبیعت به طور مطلق و البته در چارچوب قانون خود ساخته، آزاد بداند (لیبرالیسم)، استفاده از طبیعت به هر اندازه و هر شکل را حق خود دانسته، در نتیجه این نگرش منجر به بحرانهای زیست محیطی خواهد شد.

زیرا انسان نامحدود طلب، لذت پرست، زاده حیوان که نه آغازی مبارک دارد و نه پایانی مشخص، نه قانونی مقدس که وی را از زیاده خواهی و تجاوز طلبی باز دارد و نه سرانجامی که وی را از قانون شکنی هایش بترساند یا به قانون گرایی هایش پاداش دهد. چنین انسان هایی در باغی کوچک به نام طبیعت که به راستی در برابر آرزوهای بی پایان انسان کوچک است، اقداماتی انجام می دهد که نتیجه آن بحران های زیست محیطی قرن حاضر است.

۸- محیط زیست و توسعه پایدار



معمولاً توسعه در ابعاد گوناگون می تواند مورد توجه قرار گیرد. توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی. وقتی در یک جامعه ای از توسعه به طور مطلق صحبت می شود در واقع منظور توسعه در ابعاد گوناگون می باشد. بدون تردید جامعه توسعه یافته جامعه ای است که در آن توسعه در ابعاد گوناگون تحقق یافته باشد. به نظر توسعه یک پدیده کلی است که فقط شامل بعد اقتصادی نمی شود، اگرچه رشد و کمک نیروهای محرکه توسعه می باشند، اما از این پس باید سایر ابعاد توسعه که محیط زیست، عدالت اجتماعی، دموکراسی و صلح باشند نیز لحاظ شوند. (پتروس غالی، ۱۳۸۱: ۲۵۳).

زمانی که از رابطه بین توسعه پایدار و محیط زیست سخن به میان می آید معمولاً می توان از دو گونه رابطه صحبت نمود. یکی رابطه منفی و دیگری رابطه مثبت، هر یک از این دو نوع رابطه در زیر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد: تاکنون توسعه نه تنها توأم با حفظ و نگهداری محیط زیست نبوده است، بلکه باعث تخریب و نابودی آن نیز گردیده است. در کشورهای صنعتی یا توسعه یافته، توسعه گسترده و نابودی آن نیز گردیده است. در کشورهای صنعتی یا توسعه یافته، توسعه گسترده و لجام گسیخته باعث تخریب محیط زیست گردیده است و در کشورهای در حال توسعه افزایش جمعیت باعث گردیده است که بیش از ظرفیت زمین از منابع آن بهره برداری شده و آثار زیان باری برای محیط زیست ایجاد گردد. در این کشورها برنامه های توسعه توأم با آثار بسیار مخرب نسبت به محیط زیست بوده است.

این رابطه منفی بین توسعه و محیط زیست باعث گردید تا عده ای بر آن باشند که اساساً توسعه و حفظ محیط زیست قابل جمع نمی باشند و توسعه خواه و ناخواه باعث تخریب و نابودی محیط زیست می گردد. لذا بشر باید یکی از این دو را انتخاب نماید. لیکن این دیدگاه صراحتاً در کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست در ۱۹۷۲ رد گردیده است. بند ۳ از اعلامیه استکهلم در این خصوص بیان می دارد، «انسان باید دائماً تجربه اندوزی کرده به اکتشاف، اختراع، ابداع و پیشرفت ادامه دهد. در عصر ما قدرت انسان برای دگرگون سازی محیطی که در آن زندگی می کند، اگر عاقلانه به کار رود می تواند برای همه مردم مزایای توسعه و امکان بهبود کیفیت زندگی را به ارمغان آورد و اگر بهره برداری از آن با سوء استفاده یا بی توجهی همراه باشد، همان قدر می تواند صدمات بی شماری به افراد بشر و محیط زیست وارد سازد. در برابر چشمان ما در بسیاری از مناطق زمین، نشانه های خسارات، تخریب و انهدام محیط زیست به وسیله انسان افزایش می یابد. سطوح خطرناک آلودگی در آب، هوا، زمین و موجودات زنده، اختلافات عمیق و تأسف انگیز و نامطلوبی در تعادل بوم شناختی زیست کره، تخریب و تهی سازی منابع غیرقابل جایگزین، نهایتاً کمبودهای شدید مضر، برای سلامتی جسمانی، روانی و اجتماعی انسان در محیط زیست مصنوع بشر، به ویژه محیط کار و زندگی وی ملاحظه می شود.» (موسوی، ۱۳۸۰: ۳۶۰)

برخلاف رابطه منفی توسعه و محیط زیست که موجب تخریب و نابودی محیط زیست گردیده است، رابطه مثبت آن دو بیانگر این امر است که توسعه نه تنها امر مضر برای محیط زیست نمی باشد، بلکه توسعه پایدار موجب استفاده از تمام امکانات و توانمندی های محیط زیست می گردد و در نتیجه ارتقای سطح زندگی بشر را به طور واقعی و پایدار به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر محیط زیست و حفاظت و نگهداری از آن نیز هرگز مانعی در راه توسعه محسوب نخواهد گردید بلکه محیط زیست بستر و زمینه لازم برای توسعه تلقی می گردد.

لذا آن کسی که خواهان حمایت و حفاظت از محیط زیست است، بایستی به هم پیوستگی و ارتباط ارگانیک محیط زیست و توسعه را هیچ وقت از نظر دور ندارد. (لواسانی، ۱۳۷۵: ۱۴۴) با حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار نتایج بهتر و مفیدتری از کارکرد محیطهای طبیعی و مصنوعی ارائه می دهد، از آن جمله، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت زندگی، تأثیر بر سطح درآمد



واقعی، تأثیر مستقیم بر فعالیت های اقتصادی به عنوان نهادهای زیست محیطی، تأثیر در حفظ ثبات نظام های تأمین حیات. بنابراین می توان در ارتباط و تأثیر محیط زیست بر توسعه به طور خلاصه سه عملکرد را بیان نمود:
الف) فراهم آوردن مطلوبیت مستقیم برای افراد جامعه؛ ب) تأمین نهادهای لازم برای فرآیندهای اقتصادی؛ ج) پدیدآوردن خدمات تأمین کننده حیات. (دیوید دبلیوپیرس، ۱۳۸۵: ۷۰)

پس نباید فراموش کرد که بین توسعه پایدار و محیط زیست یک رابطه متقابل وجود دارد. محیط زیست زمینه و بستر مناسب برای توسعه را فراهم می سازد و توسعه پایدار عامل مهمی در حفظ و نگهداری محیط زیست می باشد و اثر این رابطه متقابل رفاه و ارتقای کیفیت زندگی انسان چه در حال و چه در آینده است، البته به شرط آن که از آثار منفی توسعه بر محیط زیست جلوگیری به عمل آورده شود.

دالی در زمینه محدودیت های اکولوژیکی رشد و توسعه اقتصادی می گوید:

با توجه به اینکه افزایش بی رویه فعالیتهای اقتصادی، انعطاف پذیری و پایداری اکوسیستمها را در معرض تهدید جدی قرار داده است و از طرف دیگر، سلامت اکوسیستمهای طبیعی برای تأمین نسل آتی و رفاه آنها ضروری است؛ کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، تعریف خاصی از توسعه پایدار ارائه می دهد. بر طبق این تعریف، توسعه پایدار توسعه ای است که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به تواناییهای نسل آتی در تأمین نمودن نیازهای خود برآورده نماید. به عبارت دیگر توسعه پایدار، فرآیندی است که طی آن ما مطمئن هستیم سطح رفاه بشر در بلند مدت کاهش نخواهد یافت. بر اساس این تعریف، شرط توسعه پایدار این است که در طی آن، انباشت سرمایه که شامل مجموع سرمایه های فیزیکی، سرمایه های علمی، سرمایه های اجتماعی، سرمایه های انسانی و سرمایه های طبیعی است، حفظ می شود (ترنر و...، ۱۹۹۹: ۶).

اصل پایداری بر دو قسم است: الف. اصل پایداری ضعیف: بر طبق این اصل، شرط لازم و کافی برای توسعه اقتصادی پایدار، حفظ میزان سرمایه کل است و بنابراین رشد اقتصادی به شرطی می تواند ادامه یابد که در صورت استفاده از منابع طبیعی چون سوختهای فسیلی، انواع دیگر سرمایه تشکیل و جایگزین آن شود تا مجموع سرمایه کل برای استفاده آیندگان کاهش نیابد (ترنر و...، ۱۹۹۹: ۶).

اصل پایداری قوی: بر اساس این اصل، میزان سرمایه های طبیعی باید در طول زمان ثابت باشد و کل سرمایه های دیگر نیز باید ثابت بماند زیرا احتمال جایگزین شدن انواع دیگر سرمایه به جای سرمایه های طبیعی و سایر سرمایه ها به عنوان مکمل یکدیگر مطرح می شوند و نه به عنوان جانشین یکدیگر.

۹- نتیجه گیری و پیشنهادات

کلیه موجودات چرخه طبیعت به محیطی امن و طبیعتی آرام که محل زیست و پرورش آنان است، نیازمندند؛ پس تخریب و برهم زدن نظم این چرخه محیط از تهدیدات اصلی برای آنان محسوب می شود و در صورت عدم استفاده صحیح از آن، آینده دشوار، سخت و پرهزینه ای برای جوامع انسانی رقم خواهد خورد..

مبانی فلسفی موجود در نظام سرمایه داری مثل مطلوبیت گرایی مطلق و ترجیح منافع فردی به منافع جمعی و روند تحولات صنعتی قرن نوزدهم به همراه رشد جمعیت و گسترش علوم و فنون، باعث شده است که برداشت بی رویه از منابع طبیعی به مخاطره انداختن محیط زیست منجر گردد. بنابراین دل نگرانی برای محیط زیست و طبیعت مرتباً در حال افزایش است، پس حفظ و حراست از این عرصه خاکی وظیفه همه ملت ها و کشورها باید تلقی گردد؛ زیرا صیانت از این مواهب موجب همبستگی بین المللی



کشورها و ضامن توسعه پایدار و برخورداری همه انسان‌ها از محیط زیست سالم خواهد شد. محیط زیست تضمین‌کننده حیات رو به رشد نسل کنونی و نسل‌های آینده است و باید با ایجاد بستر واقعی برای بقا و تعالی آن همواره به عنوان پیونددهنده صلح و دوستی مورد احترام قرار گیرد و تعهد به رعایت ضوابط، اصول و استانداردها و الگوهای رفتاری مربوط به حمایت از این محیط نیز که شعار توسعه پایدار است، به جای توسعه نامتعادل جایگزین شود.

در کنفرانس بین‌المللی مسکو (۱۹۹۰) موضوع حل بحران‌های زیست‌محیطی از طریق پیوند علم و دین مطرح گردید و دو نکته اساسی یکی ارائه تعریفی مجدد از علم و تکنولوژی، و دیگری نیاز به برخورداری از یک پایه مذهبی برای فعالیت‌های انسان در زمین مورد تاکید قرار گرفت. در کنفرانس‌هایی نیز که در دانشگاه هاروارد بین سالهای ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۸ انجام شد و به دنبال آن سه کنفرانسی که در جمع بندی نتایج حاصل از ده کنفرانس هاروارد در آکادمی هنرها و علوم کمبریج، سازمان ملل، و نیز موزه تاریخ طبیعی در نیویورک برگزار گردید، شناخت مشترکات ادیان در ارتباط با مسائلی از قبیل اکولوژی و نحوه ی استفاده از طبیعت و نیز لزوم اشاعه فرهنگ دینی از طریق ایجاد زمینه ای که در آن ارتباط دین با بخشهای دیگر امکان پذیر باشد، توصیه شده است.

بسیاری از متفکرین غربی نیز معتقدند که، تنها آموزه های دینی است که در عرصه حفاظت از محیط زیست توان مهار خیل شتابزده آدمیان را در قرون علم زدگی و مادی گرایی دارد، پس استفاده از مظاهر طبیعی دیگر برای ساکنین زمین هدف نخواهد بود بلکه وسیله ای خواهد بود برای نیل به کمال مطلوب. رفتار اقتصادی یا غیر اقتصادی انسان، علاوه بر عوامل دیگر، از بینش، اعتقادات و معیارهای اخلاقی او تأثیر می پذیرد. به این ترتیب هر عاملی که بر این متغیرها تأثیر گذار ناگزیر پیامدهای اقتصادی گسترده ای خواهد داشت. (اقتصاد اسلامی: راهی به سوی رفاه انسان انیس الرزقاء)

دکتر تاپفر مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل می گوید «اعتقاد راسخ دارم که ارزشهای معنوی جهان اسلام، بستر مناسبی برای اجرای برنامه های لازم جهت حفظ آفریده های خدا و تنوع زیست محیطی است». (سراج الدین و... ۱۳۷۹) در تعالیم اسلامی از اصول عقاید گرفته تا فروع احکام فقهی عناصر طبیعت مهمترین ابزار درک مفاهیم دینی بشمار می آیند. نامگذاری بسیاری از سوره های قرآن از عناصر طبیعت خود دلیلی بر صحت این مدعاست. عناصر محیط زیست حتی از نظر قانونگذار مقدس، و به نام آنها سوگند شده است.

از دیدگاه اسلام انسان اشرف مخلوقات و عهده دار خلافت الهی و حکومت بر طبیعت است، و زمین بصورت امانت در حالت صلاح و کمال بمنظور آباد ساختن و مزرعه آخرت قرار دادن به او سپرده شده، و از هرگونه فساد و تخریب منع گردیده است. فساد در زمین خیانت به امانت الهی است. استفاده از طبیعت باید صرفاً در جهت رفع نیازها و نه خواسته های زیاده طلبانه و با پرهیز از هرگونه اسراف انجام گیرد. البته هر چند پاسخ تمامی مشکلات زیست محیطی ما در تعلیمات اسلامی بیان شده، اما مادامی که به آنها عمل نکنیم دردی از ما دوا نمی شود. به قول شهید مطهری اگر قرار باشد به نسخه عمل نشود، بیماری که به پزشک حاذق مراجعه کرده و بیماری که مراجعه نکرده یکسان هستند.

بررسی دیدگاه های زیست محیطی اسلام، بیانگر آن است که آموزه های اسلام نه تنها دیدگاه های غربی را پوشش می دهد، بلکه بررسی دقیق آن می تواند به باز کردن افق های جدیدی در جهت تکمیل این نظریات کمک کند.

۱۰- منابع

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری (۱۴۰۵ ه.ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب
۲. الفرّجی، السید علی (۱۴۳۰ ه.ق)، تحقیق فی القواعد الفقهیه، قم: موسسه نشر اسلامی.



۳. النجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، لبنان: داراحیاء التراث العربی.
۴. النراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۰۵ق)، مستند ال شیعہ فی احکام الشریعہ، قم: انتشارات آیت الله مرعشی.
۵. بجنوردی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۱ق)، القواعد الفقہیہ، قم: انتشارات الہادی.
۶. بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، قواعدفقہ، مختصر هفتادوهفت قاعده فقہی و حقوقی، با تطبیق بر قوانین، تهران دانشگاه امام صادق (ع).
۷. بیری، توماس (۱۳۸۵)، عصر اکوزوئیکیک، مجله سیاحت غرب، مرکز پژوهشهای اسلامی.
۸. پناهی بروجردی، زهرا (۱۳۸۹)، قاعده مصلحت و قاعده عدالت و رابطه آنها در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی قم
۹. ترنر، کری و پیرس، دیوید باتمن (۱۳۷۴)، اقتصاد محیط زیست، مترجم: سیاوش
۱۰. جبعی عاملی، زین الدین ابن علی (شهیدثانی) (بی تا)، مسالک الافهام، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
۱۱. حکیم، محمدتقی (۱۹۷۹م)، الاصول العامه للفقہ المقارن: مدخل الی دراسه الفقہ المقارن، بیروت: موسسه آل البيت (ع).
۱۲. حلّی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسین (محقق حلّی) (۱۴۱۸ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت: دارالاعنواء.
۱۳. حلّی، ابوجعفر محمد بن منصور بن احمد، (ابن ادیس) (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم: نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۴. خمینی، روح الله (۱۳۷۰)، صحیفه نور، تهران انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۵. خمینی روح الله (۱۳۷۹)، استفتانات، قم: انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.
۱۶. خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، مصباح الفقاهه، قم: مطبعه سیدالشهداء، الطبعة التانیه، بی تا.
۱۷. خوئینی، غفور و رضائی نژاد، همایون (۱۳۹۰)، «مصلحت و مسائل نوظهور حقوق» پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳۳.
۱۸. دلشاد، جعفر (ترجمه و تدوین) (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۹. سراج الدین، اسماعیل؛ پارت، ریچارد (۱۳۷۹)، اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت توسعه پایدار براساس محیط زیست، ترجمه اشرف العقلایی، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۲۰. سلطانی، بهرام (۱۳۶۵)، مقدمه ای بر شناخت محیط زیست، انتشارات تک.
۲۱. شیخ کلینی. (۱۳۶۵)، اصول کافی. انتشارات دارالکتاب الاسلامیه. جلد ۶۵: ۳ و جلد: ۲۸.
۲۲. شیخ حرعاملی. وسائل الشیعہ. موسسه آل البيت. (۱۴۰۹ق)؛ جلد ۱۹: ۳۹.
۲۳. صدر، محمدباقر (۱۴۲۰ق)، قاعده لاضرر و لاضرار، تقریر: الموسوی الخلیجالی، السید مرتضی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۴. صدوق قمی، شیخ محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۹ق)، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۲۵. صفحی، سید محمد (۱۳۷۹)، تعالیم انسانی اسلام، تهران: سازمان تبلیغات.
۲۶. صفایی، سیدحسین (۱۳۷۵)، مقالات درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: نشر میزان.
۲۷. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه النشرالاسلامی، قم، بی تا.
۲۸. طوسی، ابوجعفر (بی تا)، نهاییه الاحکام، قم: انتشارات قدس محمدی.
۲۹. فهیمی، عزیزالله و مشهدی، علی (۱۳۸۸)، ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه قم، سال یازدهم شماره اول.
۳۰. فهیمی، عزیزالله و عرب زاده، علی (۱۳۹۱). مبانی فقہی حقوق محیط زیست، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم شماره اول.
۳۱. کریمی، جعفر. جمال نژاد مهدی (۱۳۹۱)، محیط زیست از منظر قرآن، سفیر سال ششم، شماره ۲۲.
۳۲. کیس، الکساندر (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، دانشگاه تهران.
۳۳. لواسانی، احمد (۱۳۷۵)، کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

همایش ملی پژوهش های محیط زیست ایران



همدان: دانشکده شهید مفتح (۹ آبان ۱۳۹۲)

۳۴. لوبون گوستاو. تمدن اسلام و عرب. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی . چاپ اول. انتشارات مجلس. (۱۳۱۳):۴۴۶ .
۳۵. مجلسی، محمدباقر(۱۴۰۴.ه.ق)، بحارالانوار، بیروت: مطبعه کتب الاسلامیه.
۳۶. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۸)، طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام، نامه فرهنگ، سال چهارم شماره اول
۳۷. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۲۹.ه.ق)، قواعد فقه بخش مدنی، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۳۸. مدرس، سیدحسن(۱۴۰۸.ه.ق)، الرسائل الفقهیه، تهران: ستاد بزرگداشت پنجاهمین سالگرد شهید سیدحسن مدرس.
۳۹. مطهری مرتضی. عدل الهی . چاپ سیزدهم. انتشارات صدرا . (۱۳۷۷):۳۰۶
۴۰. مصطفوی، محمدکاظم (۱۴۲۱.ه.ق)، القواعد، مایه قاعده فقهیه، معنی و مدرکا و موردا، قم: دفتر نشر اسلامی.
۴۱. مطهری مرتضی (۱۳۸۰)، مجموعه آثار، تهران صدرا.
۴۲. نصر، سیدحسین(۱۳۷۷)، نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت . چاپ چهارم . انتشارات خوارزمی.
۴۳. نصر، سیدحسین(۱۳۸۴)، دین و نظام طبیعت. ترجمه محمدحسن فغفوری . چاپ اول. انتشارات
۴۴. نصر، سیدحسین(۱۳۷۲). تصوف و تعقل در اسلام. نامه فرهنگ، ، سال ۳، شماره. ۷۲- ۸۵
۴۵. نمازی، حسین (۱۳۷۴)، نظامهای اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

1. Singer, P. 1999. Ethics Across the Species Boundary in Nicholas Low(ed.) Global Ethics and Environment. Routledge, London.
2. Toynbee. 1972. Religious background of the present environmental crisis. International Journal of Environmental Studies, No.3.:141-146
3. Kula, e. 2001. Islam and environmental conservation, Environmental Conservation, Vol. 28, March:1-9.
4. Simmons, I.G.1993. Interpreting Nature: Cultural Constructions of the Environment. Routledge.